

تجارت انرژی ایران و افغانستان

تجارب و راه کارها

تحقیق و تالیف:

سید غلامحسین حسن تاش - سیاوش صدیم

سرشناسه	: حسن تاش، غلامحسین
عنوان و نام پدیدآور	: تجارت انرژی ایران و افغانستان: تجارب و راه کارها/ تحقیق و تألیف سیدغلامحسین حسن تاش، سیاوش صمیمی.
مشخصات نشر	: تهران: هزاره سوم اندیشه، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۴۱۷ ص: مصور، جدول، نمودار.
شابک	: 978-600-7306-64-2 : ۳۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: نفت -- ایران -- صنعت و تجارت
موضوع	: نفت -- افغانستان -- صنعت و تجارت
موضوع	: افغانستان -- روابط اقتصادی -- ایران
موضوع	: ایران -- روابط اقتصادی -- افغانستان
شناسه افزوده	: صمیمی، سیاوش، ۱۳۶۸ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ۴۳۳ ح ۹۲ الف / HD۹۵۷۶
رده بندی دیویی	: ۳۳۸/۲۷۲۸۲ - ۱۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۰۱۹۵۶

انتشارات هزاره سوم (تریدر)

تجارت انرژی ایران و افغانستان: تجارب و راه کارها تحقیق و تألیف: سیدغلامحسین حسن تاش - سیاوش صمیمی

- صفحه آرای: هزاره سوم اندیشه • طرح جلد: آروین رحیم زاده
- لیتوگرافی: آراز گرافیک • چاپ: دالاهو • صحافی: تهران
- نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵ • تعداد: ۵۰۰ نسخه
- قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۰۶-۶۴-۲

ناشر: هزاره سوم اندیشه

تلفن و نمابر: ۶۶۰۳۷۶۴۸ - همراه: ۰۹۱۲۷۱۷۳۹۲۴

سایت: www.hsap.ir

پست الکترونیکی: hsapub@gmail.com

تلفن پخش: ۶۶۹۶۵۳۷۷-۶۶۹۷۲۷۹۲

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

دیباچه

به دنبال حملات آمریکا به افغانستان تلاش دولت آمریکا برای تغییر سرنوشت سیاسی مردم افغانستان، این مقوله مطرح شد که یکی از اهداف این تلاش، تبدیل افغانستان به معبری برای انتقال منابع انرژی آسیای میانه به بازارهای جهانی است. حتی بعضی این هدف را به عنوان هدف اصلی یا اصلی ترین هدف اقدامات آمریکا مطرح نمودند.

با توجه به سوابق عملکرد آمریکایی ها در ارتباط با منابع نفت و گاز آسیای میانه و خصوصاً با توجه به برخورد این کشور با موضوع نحوه انتقال این منابع به بازارهای جهانی، وجود چنین رویه هایی در اذهان خیال پرداز بر خیزان ستاژست های آمریکایی چندان بعید به نظر نمی رسد. اما میان این رویا تا واقعیت فاصله ای زرف وجود دارد.

ظاهراً چنین ایده ای بر این فرض استوار بود که برای تبدیل فغانستان به معبر منابع نفت و گاز آسیای میانه به بازارهای جهانی مشکل دیگری سیر از مشکل امنیت وجود ندارد و آن هم به دست باکفایت نیروهای آمریکایی به زودی برطرف خواهد شد. اشاعه و ترویج این خیال پردازی های خوش بینانه توانست تا مدتها و تا روشن شدن حقایق به عامل جدیدی بر توقف و تأخیر پروژه های نفت و گاز منطقه تبدیل شود. حقیقت آن است که نه مشکل امنیتی به این سادگی ها قابل حل و فصل بود و هست و نه این مشکل، تنها و آخرین مشکل بود و هست.

زمانی که ماه عسل مستعجل طالبان و آمریکا هنوز افول نکرده بود و مقامات طالبان به دعوت امریکا دوره های کارآموزی نفت و گاز را در خلیج مکزیک می گذراندند،

شرکت نفتی آمریکایی «یونوکال» تجارب خوبی را در افغانستان اندوخت که می‌تواند مورد مراجعه قرار گیرد. شرکت مذکور که با برنامه‌ای گسترده وارد افغانستان شده و از مذاکره سیاسی با مقامات دولتی پاکستان و مقامات طالبان بر سر مسائل امنیتی احداث خط لوله تا ایجاد مراکز آموزشی و... را در دستور کار خود داشت خیلی زود به خطای خود پی برد و همه چیز را برچید و رفت. یونوکال درحالی که در ژانویه ۱۹۹۸ توافقنامه‌ای را با دولت طالبان جهت احداث خط لوله برای انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان امضاء کرده بود در دسامبر همان سال خروج خود از این پروژه را به دلیل غیراقتصادی بودن و ریسک بالای آن اعلام نمود.

افغانستان کشوری است کثیرالمله، سابقه بیش از ۳۰ سال جنگ که نیمی از آن علیه تجاوز خارجی (شوروی سابق) و نیم از آن جنگ‌های خانمان‌برانداز داخلی بوده است در کنار فقر شدید وضعیتی را به وجود آورده است که مردم آن عملاً هیچ چیز بیشتری را برای از دست دادن ندارند و چنین جامعه‌ای طبعاً به لحاظ جامعه‌شناسی سیاسی بسیار آسیب‌پذیر و خوارک است. طی دوران طولانی جنگ حدود یک‌سوم جمعیت افغانستان در کشورهای همسایه آواره گردید و یا به نقاط مختلف جهان مهاجرت نموده‌اند؛ بنابراین مسئله امنیت در افغانستان بسیار عمیق‌تر از آن به نظر می‌رسد که به سرعت قابل حل باشد. سرآیند این مشکل مستلزم عوامل بسیاری ازجمله خروج این کشور از فقر مطلق و فرا گرفتن در مسیر رشد و توسعه اقتصادی و مستلزم توسعه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نهایتاً ساختار دموکراسی است که همه اقوام در آن احساس تعلق و مشارکت بنمایند. رایحه علی پیچیده میان توسعه همه‌جانبه و امنیت، دستیابی به راه‌حل‌های عملی را بسیار دشوار می‌نماید. هنوز زمان کافی برای قضاوت در مورد همه آثار و تبعات اقدامات امریکا بر مسئله امنیت افغانستان، سپری نگردیده است اما بدون شک اولین آثار و تبعات حملات امریکا گسترش فقر و آوارگی در این کشور بوده است. علاوه بر این متأسفانه یکی از تبعات اقدامات امریکا گسترش ناامنی به کشور پاکستان بود که به‌عنوان نقطه بعدی در اتصال منابع آسیای میانه به بازارهای جهانی از طریق افغانستان مطرح است.

متأسفانه افغانستان کشوری است که فاقد حداقل زیرساخت‌های لازم دنیای مدرن برای فعالیت‌های اقتصادی و تجاری و ازجمله اجرای پروژه‌های بزرگ است. حتی زیرساخت‌های بسیار ابتدایی این کشور نیز در طول سال‌های طولانی جنگ در حد قابل توجهی تخریب گردیده است. فقدان این زیرساخت‌ها که از نظام اداری کارآمد تا سطح آموزش و بهداشت و حمل‌ونقل و ارتباطات و... را در برمی‌گیرد، هزینه و زمان اجرای پروژه‌ها را به شدت افزایش می‌دهد. بدون شک در صورت برقراری نظم و امنیت

در افغانستان، تا سال‌ها بیشترین منابع و امکانات این کشور باید صرف ترمیم و توسعه زیرساخت‌ها بشود.

واقعیت این است که در کشورهای درحال توسعه روابط خارجی این کشورها از پیچیدگی بیشتری برخوردار بوده و بحران‌های متنوع ژئوپلیتیکی بالفعل و بالقوه‌ای نیز در روابط فی‌مابین ایشان وجود دارد. با توجه به این واقعیت‌ها تجربه نشان داده است که تحقق توافقات چندجانبه فی‌مابین این کشورها بسیار دشوار است و به فرض تحقق نیز، این گونه توافقات از ریسک بسیار بیشتری نسبت به توافقات دوجانبه برخوردار خواهد بود.

افغانستان کشور محصور است که به آب‌های آزاد بین‌المللی راه ندارد؛ بنابراین توافق هر یک از کشورهای آسیای میانه واقع در شمال افغانستان با این کشورها برای انتقال منابع انرژی خود از طریق این کشور به بازارهای جهانی کافی نخواهد بود و حتماً باید کشور ثالث نیز در این توافق حضور داشته باشد و لذا از این زاویه افغانستان نمی‌تواند با جایگزین‌هایی که بنابر این انتقال را انجام می‌دهند به‌سادگی رقابت کند.

کشور افغانستان یک تولیدکننده عمده نفت و گاز نبوده و نیز فاقد ذخایر قابل توجه هیدروکربوری است. بر اساس آخرین برآوردهای انجام‌شده توسط شوروی سابق حدود پنج تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز طبیعی و کمتر از یک‌صد میلیون بشکه ذخایر نفت خام در این کشور وجود دارد که کمتر از یک‌هزارم ذخایر هیدروکربوری دنیا را شامل می‌شود. تولید گاز این کشور در بیش از ۷۰ درصد آن از طریق ازبکستان به شبکه خطوط لوله گاز شوروی منتقل گردیده است و کل خطوط لوله انتقال گاز این کشور از چند ده کیلومتر که عمدتاً در شمال و در نزدیکی مرز این کشور با ازبکستان قرار دارد تجاوز نمی‌کند؛ بنابراین اولاً زیرساخت‌های انرژی در افغانستان بسیار محدود و ضعیف بوده و هیچ‌گونه تسهیلاتی را در این زمینه فراهم نمی‌کند و ثانیاً هیچ امکانی برای اقداماتی مانند سوآپ حامل‌های انرژی در این کشور وجود ندارد. بنابراین برای این کشور نیز تا سال‌ها نمی‌تواند به‌عنوان یک بازار جذاب برای مصرف حامل‌های انرژی مطرح باشد چراکه تولید ناخالص ملی این کشور در سطح بسیار پایینی قرار دارد و نیز بیش از ۵۳ درصد از GDP این کشور به بخش کشاورزی مربوط می‌شود.

بنابراین کشور افغانستان از نظر زیرساخت‌ها، منابع و عرضه و تقاضای بالفعل و بالقوه انرژی نیز نمی‌تواند با مسیرهای دیگر که دارای فرصت‌های بزرگ و امکانات گسترده‌ای در این زمینه می‌باشند، رقابت کند.

اقتصاد افغانستان باید بر پایه توانایی‌های واقعی سرزمینی و منافع مردم این کشور و بر مبنای همکاری صمیمانه با همه کشورهای همسایه بنا شود. قدرت‌های

بزرگ نیز باید توجه داشته باشند که محو قطعی تروریسم مستلزم ریشه کن کردن فقر و حاصل شدن توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است بنابراین سریع ترین راه های حصول به چنین فرآیند توسعه ای باید مورد توجه قرار گیرد.

کشور افغانستان فاقد هرگونه ظرفیت تولیدی یا پالایشی نفت بوده و از این حیث یک واردکننده صرف است، افغانستان از نظر منابع انرژی و خصوصاً منابع فسیلی انرژی نیز فقیر است. از سوی دیگر این کشور به آب های آزاد دسترسی ندارد و لذا تأمین و واردات انرژی به صورت مستقیم از بازارهای بین المللی برای این کشور دشوار است، از این نظر فرصت مناسبی وجود دارد تا مجموعه بنگاه های جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از بزرگ ترین همسایگان افغانستان از مزایای تجارت با این کشور خصوصاً در زمینه تأمین انرژی این کشور به فرآورده های نفتی بهره برده و در این زمینه فعال باشند. همان طر که از عنوان این کتاب استنتاج می شود بررسی راهکارهای بهینه عملی برای تجارت انرژی و خصوصاً صادرات فرآورده های نفتی، یا استفاده از خاک کشور به عنوان مسیر ترانزیتی یا سوآپ فرآورده ها به کشور افغانستان موضوع اصلی و چارچوب کلی این نوشتار را تشکیل می دهد. دستاوردهای این کتاب که حاصل یک طرح تحقیقاتی است، نه تنها بر شرکت های ایرانی فعال و مشتاق به حضور در بازار فرآورده های نفتی افغانستان مفید و ضرر رساند خواهد بود، بلکه از سوی دیگر حضور پررنگ و سامان یافته شرکت های داخلی در این عرصه، با منافع ملی کشور نیز گره خورده است. چراکه تأثیرات حضور شرکت های ایرانی در بازارهای کشور همسایه قطعاً فراتر از سودآوری و کسب منافع مالی و ارزی و حتی اشتغال زایی است. حضور چشمگیر و پر قدرت در این بازار می تواند مزایای امنیتی و سیاسی و نظامی را به دنبال داشته باشد. در تحقیق منتهی به تدوین این کتاب از جمله با چنین دست اندرکار تجارت با افغانستان مصاحبه شده است که نکات مهم مصاحبه ها در پیوسته آمد است.

این کتاب می تواند راهنمای خوبی برای کسانی که تمایل به تجارت با افغانستان خصوصاً در زمینه انرژی دارند، باشد.

سید غلامحسین حسن تاش

فهرست مطالب

۲۵	فصل ۱- بازار فرآورده های نفتی در کشور افغانستان
۲۵	۱-۱- مقدمه:
۲۷	۲-۱- شناخت وضعیت سیاسی-اقتصادی و ضایع کسب و کار کشور افغانستان
۲۸	۱-۲-۱- خلاصه وضعیت سیاسی و اقتصادی افغانستان
۳۱	۲-۲-۱- روند اقتصاد کلان
۳۸	۳-۲-۱- وضعیت فقر
۳۹	۴-۲-۱- ویژگی های بازار مصرف و کسب و کار تجاری در افغانستان
۴۳	۳-۱- بررسی تقاضای بالقوه و بالفعل فرآورده های نفتی در بازار افغانستان
۴۴	۱-۳-۱- سهم مصرف فرآورده های نفتی در افغانستان
۴۵	۲-۳-۱- میزان مصرف فرآورده های نفتی در افغانستان
۵۳	۴-۱- شناخت عرضه کنندگان فرآورده های نفتی در افغانستان (رقبا)
۵۸	۱-۴-۱- پاکستان
۶۷	۲-۴-۱- ترکمنستان
۷۸	۳-۴-۱- ازبکستان
۸۹	۴-۴-۱- تاجیکستان
۹۹	۵-۴-۱- یک پژوهش میدانی در رابطه با تأمین کنندگان سوخت افغانستان
۱۰۷	۵-۱- روند رشد عرضه و تقاضای انرژی و حامل های آن در افغانستان

- فصل ۲: پتانسیل کشور ایران برای حضور در بازار فرآورده های نفتی افغانستان ۱۰۹
- ۱-۲- مقدمه ۱۰۹
- ۲-۲- سهم ایران در مبادلات تجاری افغانستان ۱۱۵
- ۳-۲- بررسی امکانات حضور تجاری ایران در بازار فرآورده های نفتی افغانستان ۱۲۱
- ۴-۲- بررسی تاریخی صادرات فرآورده های نفتی ایران به افغانستان ۱۲۲
- ۵-۲- بررسی توان تولیدی فرآورده های نفتی در ایران ۱۲۸
- ۱-۵-۲- بنزین ۱۳۵
- ۲-۲- نفتگاز ۱۳۶
- ۱-۲- نفت سفید ۱۳۸
- ۴-۵-۲- نفت کوره ۱۳۹
- ۵-۵-۲- گاز و مایعات ۱۴۰
- ۶-۲- شناخت شبکه های ایرانی فعال در صادرات فرآورده های نفتی و نحوه فعالیت های ایشان ۱۴۲
- ۱-۶-۲- دستورالعمل مبارزه با قاچاق و عرضه خارج از شبکه فرآورده های نفتی یارانه های ۱۴۳
- ۷-۲- فرصت ها و تهدیدهای بالقوه و بالفعل در صادرات محصولات نفتی به افغانستان ۱۴۸
- ۱-۷-۲- فرصت های بالفعل ۱۴۸
- ۲-۷-۲- تهدیدهای بالفعل ۱۵۱
- ۳-۷-۲- فرصت های بالقوه ۱۵۳
- ۴-۷-۲- تهدیدهای بالقوه ۱۵۵
- فصل ۳- ایران به عنوان راه مبادلاتی ترانزیت فرآورده های نفتی ۱۶۱
- ۱-۳- مقدمه ۱۶۱
- ۲-۳- شناخت امکانات ترانزیت و سوآپ از ایران ۱۶۲
- ۱-۲-۳- تعاریف ۱۶۲
- ۲-۲-۳- سوآپ یا ترانزیت؟ ۱۶۳
- ۳-۲-۳- شناخت امکانات حمل فرآورده های نفتی ۱۶۳
- ۳-۳- شناخت پتانسیل تأمین فرآورده های نفتی از کشورهای همسایه ۱۶۹
- ۱-۳-۳- بررسی وضعیت تحولات گذشته و وضع کنونی عرضه فرآورده های نفتی در اقتصادهای شوروی سابق ۱۷۴
- ۲-۳-۳- بررسی وضعیت تحولات گذشته و وضع کنونی عرضه فرآورده های نفتی در

۱۷۸	خاورمیانه
۱۸۲	۳-۴- ترانزیت فرآورده‌های نفتی از عراق
۱۸۲	۳-۴-۱- وضعیت سیاسی-اجتماعی عراق
۱۹۵	۳-۴-۲- محیط اقتصادی عراق
۲۰۳	۳-۴-۳- روابط سیاسی-اقتصادی ایران با عراق
۲۱۱	۳-۴-۴- گسترش مناسبات با عراق در سایه ترانزیت سوخت به افغانستان
۲۱۲	۳-۴-۵- گذرگاه‌های مرزی با عراق
۲۱۳	۳-۴-۶- انرژی عراق
۲۲۶	۳-۵- ترانزیت فرآورده‌های نفتی از آذربایجان
۲۲۷	۳-۵-۱- آذربایجان در نگاه کلی
۲۲۹	۳-۵-۲- اوضاع سیاسی-اقتصادی جمهوری آذربایجان
۲۳۱	۳-۵-۳- انرژی در آذربایجان
۲۳۵	۳-۵-۴- تجارت خارجی آذربایجان
۲۳۸	۳-۵-۵- روابط جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران
۲۴۵	۳-۵-۶- ترانزیت فرآورده‌های نفتی از آذربایجان به افغانستان از طریق ایران
۲۵۳	۳-۶- ترانزیت فرآورده‌های نفتی از ترکمنستان
۲۵۴	۳-۶-۱- قزاقستان در نگاه کلی
۲۵۶	۳-۶-۲- اقتصاد قزاقستان
۲۶۰	۳-۶-۳- تجارت خارجی
۲۶۶	۳-۶-۴- انرژی در قزاقستان
۲۷۹	۳-۶-۵- انتقال فرآورده‌های نفتی از قزاقستان به افغانستان
۲۸۵	۳-۷- ترانزیت فرآورده‌های نفتی از بازار خلیج فارس و هندوستان
۲۸۵	۳-۷-۱- وضعیت کلی کشورهای حوزه خلیج فارس
۲۸۷	۳-۷-۲- ظرفیت صادرات فرآورده‌های نفتی
۳۰۴	۳-۷-۳- ترانزیت فرآورده‌های عرضه شده با عبور از بندر چابهار
۳۰۸	۳-۸- فرصت‌ها و تهدیدهای بالقوه و بالفعل در ترانزیت و سوآپ فرآورده‌های نفتی
۳۰۸	۳-۸-۱- فرصت‌های بالفعل
۳۱۱	۳-۸-۲- تهدیدهای بالفعل
۳۱۳	۳-۸-۳- فرصت‌های بالقوه
۳۱۵	۳-۸-۴- تهدیدهای بالقوه

- فصل ۴. ساماندهی صادرات فرآورده‌های نفتی به افغانستان و منافع ملی ۳۱۹
- ۱-۴- مقدمه ۳۱۹
- ۲-۴- ضرورت اعتمادسازی و رفع موانع سیاسی- اقتصادی موجود ۳۲۶
- ۳-۴- ساماندهی به فعالیت‌های موجود در زمینه صادرات فرآورده‌های نفتی با توجه به منافع سیاسی- اجتماعی آن ۳۲۹
- فصل ۵. شرکت سپند نفتیران و صادرات فرآورده‌های نفتی به افغانستان ۳۳۵
- ۱-۵- مقدمه ۳۳۵
- ۲-۵- شناخت امکانات، تجهیزات و ناوگان لازم و راهکارهای تأمین آن ۳۳۶
- ۱-۱-۵- حمل جاده‌ای فرآورده‌های نفتی ۳۳۷
- ۲-۲-۵- حمل دریایی فرآورده‌های نفتی ۳۳۸
- ۳-۲-۵- حمل ریل فرآورده‌های نفتی ۳۴۱
- ۴-۲-۵- حمل فرآورده‌های نفتی با استفاده از خطوط لوله ۳۴۴
- ۳-۵- استانداردهای لازم را اعتماد در فضای کسب و کار ۳۴۶
- ۴-۵- بررسی اقتصادی صادرات و ترانزیت فرآورده‌های نفتی ۳۴۹
- ۵-۵- وضعیت موجود و وضعیت مطلوب - ضرر در بازار فرآورده‌های نفتی افغانستان و نحوه حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب ۳۵۷
- ۱-۵-۵- وضعیت تأمین فرآورده‌های نفتی در شمالی منطقه ۳۵۷
- ۲-۵-۵- مازاد یا کمبود فرآورده در کشورهای منطقه ۳۷۰
- ۳-۵-۵- حضور شایسته ایران در بازار فرآورده‌های نفتی افغانستان ۳۷۳
- ۴-۵-۵- استفاده از فرصت‌ها ۳۷۴
- ۵-۵-۵- رفع تهدیدها ۳۸۳
- ۶-۵- برنامه راهبردی در توسعه ترانزیت، سوآپ و صادرات برای حضور ایران یافته در بازار فرآورده‌های نفتی افغانستان ۳۹۲
- ۱-۶-۵- ساماندهی به وضعیت آزمایش فرآورده‌ها در گذرگاه‌های مرزی ۳۹۲
- ۲-۶-۵- جذب هندوستان به استفاده از بندرچابهار برای انتقال فرآورده به افغانستان ۳۹۳
- ۳-۶-۵- استفاده از ظرفیت خالی خطوط لوله ۳۹۴
- ۴-۶-۵- مشارکت در ساخت نیروگاه برق در افغانستان ۳۹۴
- ۵-۶-۵- مشارکت در ساخت پالایشگاه نفت در افغانستان ۳۹۵
- ۶-۶-۵- کمک به بحث آزمایش و نمونه‌گیری از فرآورده‌ها در افغانستان ۳۹۵
- ۷-۶-۵- ورود به حوزه جایگاه‌داری در افغانستان ۳۹۶

۳۹۷ ۵-۶-۸- ساماندهی به ورود فرآورده‌های نفتی حوزه خزر و عراق به کشور

۳۹۸ ۵-۶-۹- رفع ممنوعیت در ترانزیت فرآورده‌های نفتی عراق به افغانستان

۴۰۵

مراجع

۴۰۹

پیوست